

تو می‌توانی انجامش دهی

راهنمایی برای واقعیت بخشیدن به رؤیاهای کنونی

تألیف: آندراس بوسکوگول

ترجمه: حمیرا میخوش



آندراس بوسکوگل

تو می توانی انجامش دهی: راهنمایی برای واقعیت بخشیدن به رؤیاهای کنونی/تألیف آندراس بوسکوگل، مترجم: حمیرا میخوش

مشخصات ناشر: تهران، امید سخن، ۱۳۹۸

قیمت ۲۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۳۸۰-۴-۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: تفکر نوین

شکله افزوده: میخوش، حمیرا، ۱۳۶۹، مترجم

رده بندی سنگره: BF۶۳

رده بندی دیوین: ۱۰۰

شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۴۱۲۹۰



تو می توانی انجامش دهی

طراح جلد: سعیده رزاقی

شمارگان: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول، پاییز ۹۸

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

فهرست

۱. پیش گفتار ۷
۲. مقدمه ۹
۳. قانون جذب ۱۷
۴. بدون آشنایی ۲۳
۵. آیا جهان مستعد است؟ ۳۱
۶. آیا جهان مکان بدن است؟ ۳۳
۷. چه چیز درست و چه چیز نادرست است؟ ۳۹
۸. آیا بدن مطیع قانون جذب است؟ ۴۳
۹. حقیقت درباره قدرت اراده ۵۱
۱۰. آیا مجبور نیستید سخت کار کنید تا ثروتمند شوید؟ ۶۱
۱۱. چگونه ماهیت نیمه ناخودآگاهتان را تغییر دهید؟ ۶۹
۱۲. چگونه درونتان را پاک سازی کنید! ۷۵
۱۳. آیا درخواست از جهان برای یک بار کافی است؟ ۸۳
۱۴. چگونه ایمان خلق کنیم؟ ۸۷
۱۵. تمرین مؤثر ۹۱
۱۶. بینش درست ۹۳
۱۷. پشتکار ۹۵

۱. پیش گفتار

من، آذربایجان بوسکوگل، زمانی یک انسان عصبی و بیچاره بودم.

من یک فرد دانا، خردمند و سیگاری قهار بودم که امرار معاشم از طریق موسسه حمایت از بیمه‌ایان بود.

نامزد من چاق، زشت، بی‌شکوه، بی‌کس و بی‌اصل و نصب بود. او به من وفادار نبود و پشت سر من بدگویی می‌کرد. زندگی من یک جهنم بود.

سپس ۲۵ سال پیش کتابی به نام قانون جذب به دست من رسید. من هنوز بسیار شاگرم که این کتاب را اینقدر سریع درک کردم.

بعد از آن من هر کتابی که درباره این قانون پیدا می‌کردم می‌بلعیدم. من واقعاً عاشق این قانون شده بودم اما متوجه تناقض‌های دیرینه شدم که بسیاری از نویسندگان، حتی نویسندگان خیلی مشهور هم آن را تکرار کرده بودند.

از آن زمان، روی مفهومی کار می‌کردم که صرفاً گفته‌ها و اظهارات مختلف درباره قانون جذب را تکرار نمی‌کرد و به آوای قانون مشهور بود. در عوض تفکر منطقی در مورد چیزهای مختلف و ثبت این نظرات را آغاز کردم.

قدرت این برنامه کاملاً توسط افکار سنتی و عقاید صلاحیت دار جریان یافته بود. زمانی که به جهان نگاه می‌کنید متوجه خواهید شد که مردمانی وجود

دارند که به سمت زندگی "غیر اخلاقی" هدایت می‌شوند در حالی که شاد، سلامت و ثروتمند هستند، و دیگران کسانی هستند که به "اصول اخلاقی" معتقد هستند اما با این حال بیمار، فقیر و غمگین هستند. بنابراین، اصول پیروی از اصول اخلاقی خاص و سنت‌ها راه واقعی برای کسب موفقیت در زندگی‌تان نیست.

من قواعد شدم این آموزه‌ها که نتیجه تحقیق من هستند پتانسیل تغییر اساسی زندگی شما را دارند.

من این مسیر را خودم انتخاب کرده‌ام! دقیقاً همانطور که در اینجا شرح می‌دهم، عمل کرده‌ام! امروز من سالم و سرحال، بسیار ثروتمند، واقعا خوشحال و غاری از هرگونه اعیاد هستم! من هر روز با دنیای آرزوهایم، زندگی می‌کنم.

۲. مقدمه

مراقب افکار تان باشید، آن‌ها تبدیل به کلام می‌شوند؛ مراقب کلامتان باشید، کلمات تبدیل به عمل می‌شوند؛ مراقب عملتان باشید، عمل تبدیل به عادت می‌شوند؛ مراقب عادتتان باشید، عادت شخصیتتان را شکل می‌دهد، مراقب شخصیتتان باشید، شخصیت تبدیل به سرنوشتتان می‌شود.

می‌دانم که هر کسی با این جمله اشکارا موافق است انگار که حس واقعی برایشان ایجاد می‌کند و همان زمان ایدئولوژی‌های مختلف نادید انگاشته می‌شود. هر شخصی تقریباً با این دافعه مشترک با این جمله موافق است و باورهای مذهبی و یا سیاسی اهمیت ندارد. هر شخصی متوجه می‌شود که بدون هیچ کلامی، افکار شکل نمی‌گیرند، که بدون افکار، اعمال ایجاد نمی‌شوند، اهمیتی ندارد که چقدر آن‌ها کوچک هستند.

شما حتی بدون فکر قبلی و به طور خودآگاه یا ناخودآگاه، حرام می‌روید.

از این رو شگفت‌انگیزتر خواهد بود که افراد به ندرت به نتیجه‌بخشی از این گفته می‌رسند. به همین منظور می‌توان با نادیده انگاشتن بخشی از این گفته‌ها را با عبارات زیر مختصر کرد:

مراقب افکار تان باشید، آنها سرنوشتتان را رقم می‌زنند.

تعداد معدودی با این گفته موافق خواهند بود. آن‌ها درباره سرزنش دیگران به شما خواهند گفت و درباره سختی‌هایی که داشتند و این که آن‌ها نمی‌توانند در

مقابل اتفاقاتی که در زندگی‌شان پیش آمده است کاری انجام دهند، این فقط مانند پایان رابطه با شریک زندگی نامناسب، و ادامه دادن به شغل نامناسب است.

چه اتفاقی می‌افتد؟

همه با جمله اول موافق هستند اما به ندرت با جمله دوم موافقت می‌کنند. هر چند آن‌ها به طور اساسی یکسان هستند؛ جمله دوم مختصر شده است. با توجه به طول جمله دوم، عبارت اولی به طور اساسی معنای واقعی را تعدیل می‌کند.

مراقب افکار تان باشید. از این سرنوشت شما را رقم می‌زنند... این هفت کلمه حقیقت دارد و مانند سیلی جان‌های برصورت زندگی ما است:

من مسئول اتفاقات پیش آمده در زندگی‌ام هستم!

بیشتر ما با افکار جهانی زندگی می‌کنیم.

تعداد معدودی آن قدر خوشبخت هستند که می‌توانند با حقایق محض در حین رشد روبه‌رو شوند. بنابراین اکثر ما با عقایدی درباره سختی زندگی، بی‌عدالتی جهان روبه‌رو هستیم و این که نمی‌توانیم همه چیز داشته باشیم را این به دلیل تصادف و شانس است و بدشانسی است که تصمیم می‌گیرد تا خوشحالی در زندگی‌تان هدایت شود و به بدترین دشمنان هدیه نخواهید داد. بیشتر ما یاد گرفته‌ایم که دیگران ما را به خاطر اتفاقاتی که در زندگی‌مان رخ می‌دهد مورد سرزنش قرار می‌دهند.

اگر شخصی به درستی زندگی متعادل و معقول را با پستی‌ها و بلندی‌هایش هدایت کند، او سریع برای دنبال نکردن آرزوهایش دلایل حاضر و کافی می‌آورد. البته، دیگران مقصر هستند:

والدین، دمسر، رئیس، سیاستمداران، زمان‌های سخت، توافق، شانس و بدبختی. این یکراں یا گروه‌های مسئول پر قدرت و نامحسوس هستند که مقصر محسوب می‌شوند یا عقاید مخالف پیش پا افتاده عادت بر این دارند که از شکست خود براه‌گیری کنند.

این دقیقاً روشی است که مردم در قبال فرزندانشان انجام می‌دهند، کسانی که در نهایت اندک شانس برای بهتر شدن و استقلال بیشتر دارای افکار مسئولیت‌پذیر هستند. کودک یک سنگ لوح سفید است که والدین آن را به طور نامعقول به صورت کتبی در می‌آورد و این عمل روی دوران کودکی - آنها تأثیر به سزایی دارد زیرا که به طور کم یا زیاد سوار دهن است - که فقط اندازه قدرت بر این عمل تأثیر دارد.

شما این قدرت را دارید پس چرا برایتان اهمیت ندارد که سبب این زندگی قرار دارید:

شما برنده هستید! زیرا اکنون اینجا هستید!

"مردم اخلاق مدار" اغلب من را مورد انتقاد قرار می‌دهند، آن‌ها کسانی هستند که عقاید مشترک را با عقاید مخالف جایگزین کرده‌اند. انتقاد دید من را به این حقیقت که بسیاری از مردم هنوز تمایل زیادی به یادگیری دارند،

گسترده است و این زمانی است که می‌خواهند چگونگی اداره جهان را کشف کنند.

بسیاری از مردم بر این باور هستند که بسیاری از چیزها غیرقابل دیدن هستند خواه امواج رادیویی باشد خواه اشعه گاما. مردم تلویزیونشان را مانند وسیله‌ای طبیعی روشن می‌کنند و بدون فکر کردن به اشعه نامرئی، تماس تلفنی برقرار می‌کنند. این کاملاً طبیعی است و با دنیای امروز مطابقت دارد. اما عشق نسبت به یک فیزیکدان بی افکار هم که به طریقی در روز ایجاد می‌شوند غیرقابل دیدن هستند با این موجود انرژی باقی است، و با- ارزش خود سازگاری- دارد و بر زندگی‌تان تأثیر دارد. این حقیقتی صرفاً علمی است که آگاهانه نادیده گرفته می‌شود که تصدیق قانون جذب بدون تغییر الگو در زندگی‌تان امکان‌پذیر نیست.

البته، شما نمی‌توانید آوای قانون را تصدیق کنید و بعد ادعا کنید که دیگران مسئول زندگی‌تان هستند. بنابراین مردم اخلاقی مدار و فعال‌ترین فیزیک‌دانان مدعی خواهند بود که فیزیک کوانتوم به وجود نیامده است و این فقط به خاطر این است که با دیدگاه دنیای آنها مطابقت ندارد، اما نه تارهای که یک شخص حقیقتی را که خودشان ایجاد کرده است را نپذیرفته است - بلکه ماهیت نیمه خودآگاهشان، آن‌ها آزادی کسب خواهند کرد، و هر چیزی که بخواهند به دست می‌آورند و انجام می‌دهند.